

دکتر محمد ظروفي  
استاديار دانشگاه تهران

## « هاینریش بل »

### برندهٔ جایزه ادبی نوبل

هاینریش بل (۱) نخستین نویسنده آلمانی است که پس از توماس مان (۱۹۲۹) جایزه ادبی صد هزار دلاری نوبل را بدست آورد . (۲)  
فرهنگستان سوئد در اعطای این جایزه بزرگ ادبی جهان به هاینریش بل یادآور شد که «بل بخاطر سبک نگارشش و نیز نظر گاهی که از عرصه زمانه‌اش با مهارت تمام ایجاد کرده است و بدین گونه سهم عمده‌ای در تجدید حیات ادبیات آلمانی دارد به اخذ این جایزه نایل میگردد.»  
برای هاینریش بل جنگ جهانی دوم که وی از سال ۱۹۴۵ - ۱۹۳۹ بعنوان سر بازی ساده بویژه در جبههٔ روسیه در آن شرکت داشت تجربه ای بس مهم و شکل دهنده آثارش بود .

۱- وی مذهب کاتولیک دارد و ۵۶ سال از عمرش گذشته است.

۲- در سال ۱۹۷۲ میلادی .

بل معتقد به این اصل شد که چیزی بیهوده‌تر و فاجعه‌انگیزتر از جنگ نیست؛ بر اثر جنگ انسان آدمی بودن را از دست می‌دهد و با خود بیگانه می‌شود، خاصه آن که خرابی‌ها و نابسامانیهای جنگ هم بدان افزوده شوند جنگ و عواقب آن مایه اصلی آثار بل هستند که پیش چشم خوانندگان قرار می‌گیرند و لاجرم تعهدی برای آنان بوجود می‌آوردند و همین تعهد است که سبب ساز دیدی انتقادی بر جامعه و مرافه آلمان می‌شود.

بل در پیرامون این تعهد در مصاحبه‌ای می‌گوید:

« برای من این تعهد زمینه است، یا به عبارت دیگر پایه و اساس است که آنچه من بر این پایه بنا مینهم، همانست که از هنر در می‌یابم. نمی‌توانم بگویم که بر له یا علیه چه چیزی متعهد هستم، این‌ها چیزهایی هستند که من در لابلای داستانهای خود می‌آورم، احتمالاً بسا موفقیت اندک... »

اما برآستی نمی‌توان چگونگی این تعهد بل را نیک در بسافت. این تعهد می‌تواند در زمینه مسائل دینی، و اجتماعی و سیاسی باشد.

بل از نویسنده «دیدنی تیز بین» را خواستار است؛ همچنین انسانیت و تطمیع ناپذیری و این توانائی که بتواند مسائل را بشکافد و به تجزیه و تحلیل آن پردازد.

بل به نوشتن داستان کوتاه دلبستگی بسیاری دارد. می‌گوید: «داستان کوتاه برای من دلپذیرترین نوع نثر نویسی است، چرا که این نوع ادبی از همه انواع دیگر متنوع‌تر میتواند باشد».

اما با این همه او بعنوان رمان نویس نامور شده است، گرچه خود برای رمان اهمیت چندانی قائل نیست، چرا که «در چندین صفحه آن چیزی اتفاق نمی‌افتد مگر چگونه کودکی کره به نان می‌مالد و یا چگونه گاوی نشخوار می‌کند...»

موضوعات آثار بل را که شامل رمان ، داستان بلند و کوتاه ، هجویات ، نمایشنامه رادیویی و یک نمایشنامه است ، می‌تواند به سه دسته گوناگون تقسیم کرد که به ترتیب زمانی نوشته شده‌اند.

۱- انسان در جنگ موضوع نخستین رمان او بنام «آدم، کجا بودی؟» (۱۹۵۱) و بسیاری از داستان‌های کوتاه و بلند اوست. قهرمان واقعی این داستان افسری (ستوان یکم) است که هنگام حمله روسها بر اثر بیماری زخم معده توانائی عقب نشینی را در خود نمیبید و لاجرم در چنگال مرگ اسیر میشود.

۲- مسائل دوران پس از جنگ در دورمان دیگرش بنام «و کلمه‌ای هم بر زبان نیاورده» (۱۹۵۳) و «خانه بی سرپرست» (۱۹۵۴) به شرح می‌آید. موضوع رمان اولی خود جنگ نیست بلکه نویسنده بطور کلی عواقب و تأثیرات ناشی از جنگ را ، بویژه از نظر روانی روی انسانها نشان میدهد و در رمان «خانه بی سرپرست» دنیای دوپس‌بچه یازده ساله‌ای را بخواننده مینمایاند که پدرشان را در جنگ روسیه از دست داده‌اند.

۳- و بالاخره دسته سوم عبارت از رمان‌ها و داستان‌هایی هستند که تصویری انتقادی از اوضاع و احوال اجتماعی جامعه امروزی آلمان بدست می‌دهند.

«عقاید یک دلک» را (۱۹۶۳) که بفارسی هم برگردانده شده است، میتوان جزء این دسته بشمار آورد. در این رمان قهرمان بل که یک سره بصورت آدم بیرون از جامعه خود در آمده است به اوضاع و احوال سیاسی ، معنوی ، اجتماعی و دینی انتقاد می‌کند و بر ضد آن‌ها به اعتراض برمیخیزد و از یک زندگی راستین و پر معنا و مفهوم جانبداری می‌کند.

هایریش بل بی گمان یکی از نویسندگان معاصر است که سنگینی بار نابسامانی‌ها و ناروایی های جنگ را بر دوش خود و وجدان جامعه خود احساس کرده با اسلحهٔ انسانیت و عدالت اجتماعی به نبرد با آن برخاسته است .

بل شاهد و بازگو کنندهٔ روزگار تلخ و تیره‌ای است که شمله‌های خشم قلبهای شکسته‌یتیمان و درماندگان جنگ‌زده را بر ما مینمایاند و این کار را نیز با خشونت کهنه‌ای انجام میدهد .

از اینرو جستجوی مطایبه در آثارش کاری است بیهوده ، چرا که انتقاد شدید و خشم زهر آگین او به نابسامانی‌ها دیگر جایی برای مطایبه باقی نمیگذارد و بدینسان شیوهٔ نویسندگی اش بیشتر بسوی هجو و طنز کشیده میشود .

رو بهمرفته باید گفت که محور اصلی آثارش دفاع و جانبداری از يك زندگی انسانی و در نتیجهٔ انتقادی است بر همهٔ آن چیزهایی که بجهنم‌زندگی لطمه میزنند و با آن را غیر ممکن میسازد .

مسئله نابودی یهودیان را هایریش بل از دو سو به تصویر درمیآورد . او سربازانیرا بگونه‌ای بی تفاوت نشان میدهد که بنا به دستور مافوق مأمور حمل یهودیان بکشتارگاه هستند و از سوی دیگر فرمانده کشتارگاهی را نشان میدهد که هم از روی اعتقاد و هم از روی پیش داوری برای اجرای دستور و کشت و کشتار آماده است . و درضمن تصور ناسیونال سوسیالیست ها را دربارهٔ پست انگاری یهودیان رد میکند .

شیوهٔ نویسندگی بل سه طریق است :

۱ - او رشته سخن را به دست قهرمان های آثارش می‌سپارد ، تا بی واسطه تجربیاتشان را بازگو کنند مانند رمان ، و آدم ، کجا بودی ؟

۲- تاك گفتارهایی در قسمت‌هایی از داستانها و رمان های خود می آورد تا نگاهی بهتر و عمیقتر بدرون وجدان قهرمانهای اصلی ممکن شود مانند داستان «قطار سروقت رسید».

۳- یا آنکه بعنوان نویسنده کاملاً در پس پرده باقی میماند و رشته سخن را به دست اول شخص مفرد می سپارد مانند «نان آن سالها» و «عقاید يك دلقك» و بطور کلی در بسیاری از داستانهای دیگرش.

در آثار بل همیشه کشمکش میان «من» و دنیای خارجی وجود دارد یعنی میان قهرمان داستان های بل و محیطی که بصورت دشمن سهمگین و نابود کننده در می آید و قهرمان داستان احساس میکند که دنیای خارجی تهدیدش میکند و لاجرم در برابر آن حالتی تسلیم آمیز بخود میگیرد و با اعتراض خود ویران گرانه بدان پاسخ میگوید. از سوی دیگر این کشمکش در تضاد میان آدم‌های موفق و ناموفق داستانها به چشم میخورد. اما قهرمان های بل هرگز کوششی برای بهتر ساختن شرایط زندگی خود نمیکنند. بل محیط زندگی مردم طبقه پائین و متوسط جامعه خسود را به تصویر در می آورد و قهرمانیکه در این محیط زندگی می کند پایه های زندگی خود را با خطر رو برو میبیند. اما این محیط نه تنها زمینه و عامل شکل دهنده قهرمان و داستان است، بلکه بصورت هدفی در می آید برای انتقاد زهر آگین نویسنده بر این محیط.

درباره زبان هاینریش بل باید گفت که وی بطور کلی تا حدی زیادی از کلمات و اصطلاحات زبان عامیانه استفاده میکند و در نتیجه نثرش برای همه کس قابل فهم و ساده است که این خود بواقعی ترجمه دادن شیوه بیانش کمک مینماید.

او همچنانکه یاد شد با چنین زبانی طنز را نیز بکار میگیرد تا به تأثیر شیوه بیانش بیفزاید. و همین طنز خود یکی از ویژگیهای شیوه نویسندگی اوست که میتوان آنرا از لابلای حوادث داستانها دریافت و لمس کرد.

فی‌المثل در « عقاید يك دلنك » هنگامیکه قهرمان داستان اظهار تمایل میکند که سرگرد را که در رایش سوم بیش از اندازه به رژیم وفادار بوده دو باره ببیند ، می‌افزاید که : « او حالا حتماً سرهنك یا ژنرال است . »

شدت و محکمى چنین طنزى غالباً مانع از آن میشود که مطایبه - اگر هم بل بخواهد ملموش کند مؤثر افتد .

بل چنان گرفتار و غرق در موضوع مطرح شده است که دیگر برای مطایبه آن آمادگی لازم و فاصله ضروری را نمیتواند ، داشته باشد .

مسئله اصلی در آثار بل در پیرامون غیر انسانی کردن انسان بوسیله انسانهایی است که اوضاع و احوال محیط‌زیستی را شکل داده و پدیدمی‌آورند؛ به سخن دیگر مسئله اصلی با طرح پرسش درباره زندگی حقیقی انسان معین میشود و تا حد زیادی در شخصیت قهرمان آثارش قابل لمس است.

این قهرمان غالباً قربانی اوضاع و احوال اجتماعی و جنک است - مانند قهرمان رمان - « آدم کجا بودی » . یا قربانی شرایط اجتماعی است . مانند آدمهای رمان « و کلمه ای هم بر زبان نیاورد » . یا قربانی عواقب و نابسامانیهای پس از جنک است - مانند آدمهای رمان « خانه بی سرپرست » . قهرمان‌های آثار بل غالباً افرادی کم تحرک و غیر فعالند و نیز کم توان برای از میان بردن مشکلات. آنان معمولاً تهیدستانند و یا دست کم در شمار طبقات مرفه جامعه به حساب نمی‌آیند و حتی در مسائل فرهنگی و دینی هم نقشی برعهده ندارند و نمیخواهند نقشی هم داشته باشند. و در نتیجه این بی نقشی و بی تأثیری اجتماعی - سیاسی آنان برای انسان

شکفت انگیز بنظر نمیرسد. آنها بطور کلی انسانی هستند که از لحاظ مادی متوسط الحال و غالباً به محیط کاتولیکی تعلق دارند و حتی اگر هم از خانواده های پروتستانی نرتمند برخاسته باشند - مانند «عقایدك دلگ» باز هم خود را با دنیای کاتولیکی طبقه متوسط خانواده معشوقشان مانوس تر میبینند.

در ارزیابی کارهای ادبی بل اتفاق نظر نمیتوان یافت: چه از جنبه جهان بینی و چه از نظر ادبی و نظر منتقدان آلمانی درباره آثارش بسیار گوناگون و حتی در قطبهای مخالف قرارداد:

چه درباره ساختمان رمان و داستانهایش و چه در مورد شرح مفصل جزئیاتی که در آثارش به چشم میخورد و چه در باره زبانش. در باره طرح کلی داستان های بلند و رمانهایش کسانی به انتقاد برخاسته اند و میگویند:

«زمان گذشته و حال آزادانه و بگونه‌ای غیر منطقی به هم درمیامیزند» درهم آمیختن بسیار گذشته و حال را خواننده در «نان آن سالها» نیراحساس خواهد کرد و به ناچار ناگزیر است قسمت‌هایی از داستان را چند بار بخواند تا ارتباط حوادث را نیکوتر دریابد.

این شیوه نویسنده‌گی به نظر برخی از نویسندگان پسندیده است. و معتقدند که این خود سبب آن است که خواننده با دقت بیشتر و لذتی فراوان‌تر داستان را دنبال میکند. این روش به نظر برخی دیگر هم ناپسند می‌آید.

درباره شرح جزئیات برخی گویند که در آثارش «بطور مکرر شرح دقیق جزئیات به چشم میخورد و از زیر لباسی گرفته تا حلقه توالی همه چیز بطور مشروح توصیف میشود».

زبان بل نیز از اختلاف نظرها مصون نیست و این خود نشان میدهد که معیارهای قاطعی برای ارزش گذاری آثار ادبی یافت نمیشود و یا اگر هم یافت شود، قطعیت کامل ندارد.

بنابراین اگر بخواهیم نظر منتقدان بزرگ آلمانی را در ارزش گذاری آثارش معیار کار قرار دهیم ، بطور قاطع بجائی نمیرسیم . اما باید پذیرفت که موضوعهای انتخابی بل وانتقادی که وی خود را بدان مقهد میداند، تأثیری بس عظیم بر عامه مردم گذاشته است، گرچه شخصیت‌های داستانهایش همواره یکنواخت ومحتوایشان از حد شرح مفصل جزئیات فراتر نمیروند ومواد و سمبل‌های مورد استفاده او مانند «بقه شارن هورست» و «لبهای اپنی ژنی» ، «تابوت» ، «کلاس درس» وغیره که در «نان آن سالها» نیز می آیند بطور مکرر در غالب داستان‌هایش نیز بکار برده میشوند .

از میان همه آثار بل تنها نمایشنامه وی بود که کاملاً با عدم اقبال مردم روبرو شد زیرا در اینجا بل کوشید در شیوه بیانش از فن فاصله گذاری استفاده کرده تا بروشنی موضوع مطرح شده بیفزاید وتیپ شخصیت‌های نمایشنامه را به گونه‌ای بهتر نشان دهد.

گرچه هاینریش بل برنده جایزه ادبی نوبل است ، اما همچنان که یاد شد در ارزش گذاری آثار ادبی اش هنوز اتفاق نظر نمیتوان یافت. خواننده میتواند با مطالعه آثاری از او که بفارسی برگردانده شده وبا پیاده کردن مطالب این مقاله روی آنها تا حدودی درباره اش داوری کند.

